

کبیپ امام
۳
جامعه ایمانی مشعر

جامعه توحیدی

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین
محمدرضا عابدینی پیرامون اربعین به عنوان
سرمایه ارزشمند عصر ظهور

صحیفه ۳۶
تمدن اسلامی ۳، پاییز ۱۳۹۸

اربعین، مانور ظهور

گفتاری از حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدرضا عابدینی پیرامون اربعین به عنوان جلوه‌ای از جریان ظهور
نشست تجلیل از فعالان‌مردمی جبهه‌فرهنگی‌انقلاب‌اسلامی درعرصه‌اربعین، ۱۵ آذرماه ۱۳۹۷، جمکران- قرارگاه منتظران شهادت.

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: مجتبی خاوری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰۰۰ (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵
رایانامه: info@۱۵۴۲.org
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

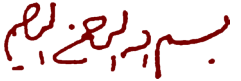

مقدمه

در روایـات متعـددی آمده اسـت که امام زمـان﵇ در زمان ظهور، خـود را فرزند حضرت سیدالشـهدا﵇ معرفی می‌کند و این مطلب نشـان از شـناخت مردم دنیا نسـبت به امام حسین﵇ در زمان ظهور است. اوج اتحاد مردم دنیا حول محور اباعبدالله الحسین﵇ و اظهار محبت و مودت به آن حضرت را می‌توان در پیاده‌روی اربعین دید. این پیاده‌روی یک اتفاق ساده نیست، این مراسم یک قدرت نرم در جهان است، اکنون که عزت مسلمانان وابسته به این مراسم شده، دل‌های مردم متوجه زیارت اربعین است و هر سال تعداد افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند، بیشتر می‌شود و باید عظمت مراسم زیارت اربعین را دریابیم، زیرا که هیچ کس مثل امام حسین﵇ نمی‌تواند مردم را متحد کند. از طرفیتاریخ بشریت به سوی ظهور امام زمان﵇ حرکت می‌کند و پیاده‌روی اربعین و اتحاد مؤمنین مقدمه‌ای برای ظهور است.

متن حاضر، بیانات حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی در نشست تجلیل از فعالین فرهنگی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه اربعین می‌باشد. ایشان ضمن تبیین ارتباط بین عاشورای حسینی و ظهور مهدوی، اربعین را مقدمه و رزمایشی برای ظهور حضرت معرفی کرده و برنامه‌های دشمنان برای مقابله با این حماسه بزرگ را تبیین نمودند. امید است که با بزرگداشت بیش از پیش حماسه اربعین، از مقدمه‌سازان ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) باشیم.



عاشورا، سرمایه ارزشمند عصر ظهور

از ابتدای تاریخ، نبردی دائمی بین جبهه حق و باطل بوده است؛ این نبرد از تمرد شیطان در سـجده بر حضرت آدم آغاز شـده و تا عصر ظهور ادامه دارد. این نبرد مراحل مختلفی طی کرده و گلوگاه‌های عظیمی در طول تاریخ به‌جای گذاشته است که خدای سبحان در قرآن کریم این گلوگاه‌های عظیم را مطرح کرده است.

دو نـگاه به قصه انبیای الهی هسـت: یک نـگاه می‌گوید قصه حضرت نبی خاتمﷺ و عصر محمدی وقتی واقع می‌شـود، تطابقی بین وقایع این عصر با دوران انبیای گذشـته پیش می‌آید که می‌شود از آن استفاده کرد. نگاه دوم نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر است که باید به آن توجه کرد؛ براساس این نگاه، از ابتدای تاریخ، یک طرح و نقشه الهی درکار بوده است؛ در این طرح و نقشه الهی، برای تحقق عصر پیامبر اکرمﷺ مقدماتی لازم بود که تمام این

مقدمات و آن‌چه قرار است در امت پیامبر خاتمﷺ پیش بیاید، به‌صورت آزمایشی و نازله در امت‌های پیشـین محقق شده است تا نسل دوران پیامبر اکرمﷺ و نسل عصر ظهور از سرمایه عظیم تجربه تاریخی امت‌های پیشین بهره ببرند.

ازاین‌رو در روایات زیادی وارد شـده که هرچه در دوران قبل از نبی خاتمﷺ اتفاق افتاده، در این دوران همه اتفاق‌های گذشـته طابق النعل بالنعل، تکرار خواهد شـد. تکرار این‌ها نیز به این جهت است که آن وقایع، مقدمه‌ای برای عصر پیامبر خاتمﷺ و عصر ظهور بوده کـه به‌دلیل اوج و عظمتی که این عصـر دارد، نیازمند پیش‌زمینه‌ای برای آمادگی تحقق این عصر است. با این نگاه تمام دوران تاریخ بشریت قبل از پیامبر اکرمﷺ مقدمه‌ای برای تحقق این دوره بوده است. براساس روایات، بشر در این دوره به کمالی می‌رسد و هرچقدر هم به‌سمت پایان و انتهای این دوره می‌رسیم عظمت کار بیشتر می‌شود. ازاین‌رو فتنه‌ها و نبردهای آخرالزمانی نسبت به دوره‌های گذشته در اوج خودش قرار دارد. هرچه به‌سمت آخرالزمان می‌رسیم فتنه‌ها پیچیده‌تر می‌شود؛ پیچیدگی فتنه‌ها به‌قدری است که استفاده از تمام تجربه‌های امت‌های گذشـته را می‌طلبد. اگر کسـی تجربه‌های سابق را به دست نیاورده باشد و خودش را آب‌دیده نکرده باشد، معلوم نیست در مقابل فتنه‌های آخرالزمان بتواند سربلند بیرون بیاید. فتنه‌های عصر ظهور به‌قدری سخت می‌شود که بعضی بزرگان از ترس اینکه نکند جزو ریزش‌های عصر ظهور باشند، در دعا برای فرج مردد بودند. یعنی این‌جوری نیسـت که انسان به راحتی بتواند تصمیم بگیرد و از فتنه‌ها و آزمایش‌ها عبور کند. درگیری جبهه حق و باطل در عصر پیامبر اکرمﷺ در عاشورا به فعلیت رسید؛ ازاین‌رو عاشورا تحقق کامل جبهه حق علیه باطل و سرمایه عظیمی برای عصر ظهور است.

به وحدت رسیدن در عین کثرت

از این به بعد وقایعی پیش می‌آید که انسان می‌خواهد به‌سمت وحدت برود. از کثرت‌ها به‌سمت وحدت رفتن نیز خیلی سخت است؛ برای رسیدن به وحدت خیلی مؤونه و توشه نیاز هست؛ چون تمام هستی، انسان را به‌سمت کثرت‌ها می‌کشاند.

براساس روایات زیادی که به ما رسیده است، بعد از واقعه عاشورا، ملائکه‌ای نازل شدند ولی دیر رسیدند یا شاید به آنها اذن داده نشد؛ این ملائک پس از آن در کنار مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا﵇ ساکن شدند و طبق روایات متعدد آنجا هستند و از زائران حضرت استقبال و مشایعت و پشتیبانی می‌کنند. حتی از وقتی که زائر قصد حرکت به‌سمت زیارت مرقد مطهر حضرت می‌کند، این ملائک از همان ابتدای سفر به استقبال زائر می‌روند و او را همراهی می‌کنند. به‌نظر می‌رسد در این دوره، ملائکه‌ای که نقش خون‌خواهی و زنده نگه داشتن قیام امام حسین﵇ را داشتند، امروز نقش پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند؛ چون دل‌ها را به‌سمت این حرکت و مانور عظیم اربعین حسینی سوق می‌دهند؛ این جریان واقعاً طبیعی نیست.

ترفندهای دشمن برای مقابله با حماسه اربعین

دشمن در ابتدای نضج گرفتن پیاده‌روی اربعین به این شکل و سیاق، سعی کرد از طریق انفجارها و کشتار مردم از این حماسه جلوگیری کند؛ ولی دشمن دریافت که جنس اربعین از خون و آتش است و خود این جریان براساس خون‌خواهی در مقابل خون ریخته شده به راه افتاده است. دشمن وقتی این نقشه را شکست‌خورده دید، از طریق تطمیع و محدودیت‌های مالی وارد میدان شد؛ ولی دشمن نمی‌دانست که جریان اربعین از سنخ بذل مال نیز هست و با گران کردن سفر اربعین نمی‌تواند به هدفش برسد؛ وقتی امسال هزینه‌های سفر اربعین بالاتر رفت، اصل همیاری و همکاری بین مردم و مؤمنین و عاشقان حضرت سیدالشهدا﵇ تجلی یافت؛ مردم برای برگزاری پرشورتر حماسه عظیم پیاده‌روی اربعین حسینی به کمک هم آمدند و با کمک به سفراولی‌ها و حتی نایب گرفتن، این نقشه دشمن را نیز خنثی کردند. اینجا جدای از بحث تعداد جمعیت، یک فرهنگ جدیدی به وجود آمد و آن تسهیل سفر اربعین با کمک‌های جمعی بود؛ یعنی سخت شدن سفر اربعین با کمک‌های جمعی آسان شد؛ این یک فرهنگ است. بنابراین فرهنگ‌سازی «کمک‌های جمعی» نشان داد که جریان اربعین چیزی نیست که بتوان از طریق خونریزی و تطمیع و فشار مالی برای آن مانع‌تراشی کرد و جلوی آن را گرفت. معمولا برای مدیریت هر بحرانی کلی زمان صرف می‌شود و نقشه‌های متعددی طراحی می‌کنند تا بحران به‌وجود آمده را مدیریت کنند، ولی جریان اربعین به سرعت بحران‌ها را مدیریت می‌کند و نمی‌توان با بحران‌سازی آن را متوقف کرد.

اربعین، تجلی حقیقت دین

حرکت عظیم اربعین حسـینی، حرکتی الهی اسـت که همه حول محور یک امام به یک سـمت مشخص می‌روند. به سمت یک امام حرکت کردن و در تمام مسیر با امام زندگی کردن، خیلی لطیف است. اگر می‌گوییم اربعین رزمایشی برای ظهور و زمینه‌سازی برای ظهـور اسـت، چـون در عصر ظهور هم زندگـی و حرکت بر محور امام اسـت؛ اربعین هم چند روز زندگی کردن با امام است؛ زیبایی اربعین در این است که تمام آیین‌های آن در «حرکت» انجام می‌شـود؛ اربعین یک اعتکاف در حال حرکت است؛ خوردن، خوابیدن و حتی راه رفتن آن در حال حرکت است؛ زیباتر اینکه همه اینها با امام است.

در همایش عظیم اربعین حسینی تمام حقیقت دین به‌صورت مصداقی تجلی پیدا می‌کند؛ به عنوان نمونه، یکی از اجزای دین در نظام اعتقادی شیعه، اعتقاد به امامت است؛ بروز و ظهور تمام فضائل اخلاقی موجود در نظام اخلاقی و رفتارهای ارتباطی در نظام عملی، تمام اینها در یک حقیقت مصداقی قابل تجربه، در حماسه و رزمایش جهانی پیاده‌روی اربعین تجلی پیدا می‌کند. گاهی برای کسانی که می‌خواهند جذب این فرهنگ بشوند یا اعتقاد به دین آنها مستحکم شود، تأثیر گفتن خیلی کم است؛ تأثیر نشان دادن هم خیلی کم است؛ ولی زیستن در حالت دینداری بالاترین تأثیر را دارد؛ آن هم امکان زیستن با تمام ویژگی‌های دینداری (از اعتقاد گرفته تا اخلاق و اعمال) و تمام حقیقت دین که تجلی آن به‌صورت مصداقی برای انسان عینیت می‌یابد و قابل تجربه است.

اربعین، فرهنگ زنده و مهاجم

چنانچـه به جریان اربعین با عمق معرفت نگاه کنیـم، عمیق‌ترین لایه‌های دین از جهت اعتقادی در اربعین محقق می‌شـود. این حرکت‌های عظیم نشان می‌دهد که اربعین یک فرهنگ زنده و مهاجم است؛ یعنی فرهنگی است که در برابر جریان مقابل برای خودش اجزا و ساختار و نماد و مدیریت اجرایی دارد که همه این‌ها با هم هماهنگ هستند. اربعین یعنی تجلی توحید، با امام بودن، ساده‌زیسـتی، گذشـت، ایثار، میهمان‌نوازی، سخاوت و بسیاری صفات نیکوی موجود در نظام اخلاقی. توحید، زندگی سخت و خیلی راحت کنار آمدن با همه اینها.

اربعین در نگاه غیرمسلمانان

امسال یک هیأت مسیحی از کشور صربستان به راه‌پیمایی اربعین آمده بودند؛ اینها در یکی از عمودهای بین راه آمدند در چادر هیأت میثاق با شهدای دانشگاه امام صادق(ع) نشستند؛ اعضای این هیأت صربستانی، تخصص‌های مختلفی (کارگردان، موسیقی‌دان و ...) داشتند؛ از یکی از آنها پرسیدیم شما جریان پیاده‌روی اربعین را چطور دیدید؟ یکی از آن‌ها خیلی زیبا در پاسخ گفت: در عین این‌که خیلی ریخت و پاش هست و این همه وسایل کنار خیابان و مسیر ریخته شده، ولی چون حرکت مردم قلبی است و این واقعه آنقدر عظیم است که مردم به این همه ظواهر بی‌اعتنا هستند؛ یکی دیگر از آنها می‌گفت اگر از چشم حضرت زینب(س) به این واقعه نگاه کنیم، هرچه در این حرکت ببینیم «مارأیت الّا جمیلا» زیبایی است. خیلی عجیب بود که می‌گفت شما نمی‌توانید از چشم ما نگاه کنید.

دست هدایت الهی در اربعین

این یک فرهنگ مهاجم است؛ یعنی تمام فرهنگ‌هایی را که به ایستایی، رفاه‌طلبی، عادی شدن دین و زندگی و ... دعوت می‌کنند، به چالش می‌کشد تا جایی که انسان به‌طور فطری این فرهنگ مهاجم را دوست دارد؛ چون دوست ندارد ایستا باشد. ازاین‌رو علاقه به اربعین روزبه‌روز در حال افزایش است و هرسال که می‌گذرد جریان اربعین حسینی عمیق‌تر و عظیم‌تر می‌شود.

حماسه اربعین را دست الهی هدایت می‌کند و به پیش می‌برد؛ ازاین‌رو هیچ نیرویی نمی‌تواند مقابل این حرکت عظیم ایستادگی کند؛ هم‌چنان‌که در جنگ بدر و احد، ملائکهٔ الله، از پیامبر اکرمﷺ و سپاه اسلام پشتیبانی کردند و به‌سادگی به پیروزی رسیدند. ملائکه الهی در قلوب مؤمنین خودش را نشان داد. بالاترین حیله دشمن در مورد حماسه اربعین،

بایکوت خبری است؛ جریان شیعه که در طول تاریخ در اقلیت بوده و در یک گوشه‌ای این جریان را منزوی و مخفی کرده بودند، بزرگترین اجتماع بشری را تشکیل می‌دهد؛ آن هم در دو کشوری که در چندین سال در مقابل هم جنگیده‌اند؛ آیا این یک امر عادی است؟ در روایتی می‌فرماید: چون بیشتر محبت‌های شما محبت به دنیا و امور دنیایی است، ثمره‌ای ندارد؛ ولی اگر محبت الهی باشد و در حدود الهی رشد کند، خودش را نشان می‌دهد. محبت‌ها باید براساس رضای الهی و محبت فی‌الله باشد. پیامبر اکرمﷺ - حضرت امیرالمؤمنینؑ را به مردم معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: محبت شما بر محور محبت علیؑ باشد؛ دوست داشته باشید هرکسی را که او دوست دارد و دشمن باشید با کسی که با علیؑ دشمنی می‌کند. با علیؑ دوست باشید حتی اگر پدرتان را کشته باشد و دشمن باشید با کسی که با او دشمن است حتی اگر آن فرد پدرتان باشد. در روایات مختلفی دارد که وقتی محبت انسان برای رضای خدا باشد همه چیز را درمی‌نوردد و هیچ چیزی جلودار او نیست.

قدرت جاذبه فرهنگ اربعین

حماسه اربعین به‌عنوان یک فرهنگ مهاجم، با فرهنگ‌های ایستای امروزی در حال مبارزه است و آنها را جذب و در خود هضم می‌کند؛ ازاین‌رو اربعین یک فرهنگ در حد دیگر فرهنگ‌ها نیست؛ در عرض آنها هم نیست، بلکه فرهنگی است که جاذبه دارد و فرهنگ‌های دیگر رابه سمت خودش می‌آورد و در خودش هضم می‌کند. بنابراین از هر جهت (اخلاقی، اعتقادی و ...) که به اربعین نگاه کنیم، جریان باعظمتی است که ما را به سمت آماده‌سازی برای زندگی در کنار امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سوق می‌دهد.

نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به معصوم

روایت زیبای دیگری می‌فرماید: نزدیک‌ترین و سریع‌ترین راه برای رسیدن به امام معصوم، خدمت به مؤمنین است. اسحاق بن عمار اهل کوفه، وقتی وضع مالی خوبی پیدا کرد، رفت و آمد شیعیان به خانه‌اش زیاد شد؛ برای اینکه ارتباطات شیعیان برای حاکم کوفه افشا نشود، مجبور شد این رفت و آمدها را محدود کند. آن سال وقتی در مکه به محضر امام صادق﵇ رسید، حضرت با ناراحتی «بِوَجْهٍ قَاطِبٍ مُزْوَرّ» و چهره‌ای گرفته پاسخ سلامش را دادند؛ اسحاق بن عمار عرض کرد؛ آقا «مَا الَّذِي غَيَّرَ حَالِي عِنْدَك» چه تغییری در من صورت گرفته که لایق نگاه محبت‌آمیز سابق شما نیستم؟ حضرت فرمودند: «تَغَيُّرُكَ عَلَى الْمُؤْمِنِين»[1] رابطه تو با مؤمنین تغییر کرده است. رابطه امام با مؤمنین بر مدار رابطه مؤمنین با همدیگر است؛ هرچقدر در ارتباط با مؤمنین خدمت‌گذارتر باشید امام با شما مهربان‌تر می‌شود. اگر کسی در راه‌پیمایی اربعین به زائری خدمت کند که تنها برای زیارت امام حسین﵇ آمده است، این زائر اگر اشتباه هم کرده باشد، به مقداری که قصد زیارت دارد، فانی در امام و جلوه امام است؛ حالا اگر انسان با این نگاه به خدمت‌گزاری زائر نگاه کند، چنین خدمتی محبت فی‌الله است.

در یک روایت می‌فرماید: روز قیامت اقوامی را می‌آورند که ترازوی عملشان پر از گناه

۱. بحار الأنوار، جلد۵، صفحه۲۲۳.

است «يَمْتَلِئُ مِنْ جِهَةِ السَّيِّئَات»[1]؛ از آنها می‌پرسند، اینها گناهان شماست؟ پس حسنات شما کجاست؟ می‌گویند پروردگارا! ما حسناتی برای خود نمی‌شناسیم؛ «يَا رَبَّنَا مَا نَعْرِفُ لَنَا حَسَنَاتٍ» ناگهان از جانب خدای عزّوجل ندا می‌رسد که؛ «ای بندگان من! اگر برای خود حسناتی نیابید، من آن را به شما می‌نمایانم و حسناتتان را برایتان زیاد می‌گردانم. «فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَئِنْ لَمْ تَعْرِفُوا لِأَنْفُسِكُمْ عِبَادِي حَسَنَات»[2] من برای شما حسناتی می‌شناسم «فَإِنِّي أَعْرِفُهَا لَكُم» و حسناتتان را برایتان زیاد می‌کنم «وَ أُوَفِّرُهَا عَلَيْكُمْ»؛ بعد می‌فرماید: «ثُمَّ يَأْتِي بِصَحِيفَةٍ صَغِيرَةٍ» یک کاغذ کوچکی در صحیفه حسناتشان می‌گذارند که این وزنه حسنات «يَطْرَحُهَا فِي كِفَّةِ حَسَنَاتِهِمْ فَتَرْجَحُ بِسَيِّئَاتِهِمْ بِأَكْثَرَ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْض» به‌اندازه بیش از آنچه بین آسمان و زمین است بر سیّئاتشان می‌چربد؛ سپس به یکی از آنان گفته می‌شود: «دست پدر و مادر و برادران و خواهران و دوستان و خویشان و خادمان و رفقایتان را بگیرید و داخل بهشتشان نمایید»! اهل محشر می‌گویند: «يَا رَبِّ! أَمَّا الذُّنُوبُ فَقَدْ عَرَفْنَاهَا؛ فَمَا ذَا كَانَتْ حَسَنَاتُهُمْ»؛ پروردگارا! گناهانشان را دیدیم امّا حسنات اینان کجا بود؟ خدای عزّوجلّ می‌فرماید: «فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا عِبَادِي مَشَى أَحَدُهُمْ بِبَقِيَّةِ دَيْنٍ لِأَخِيهِ» ای بندگان من! یکی از اینان باقی وامی از برادرش را برای برادرش برد و به او گفت: «خُذْهَا فَإِنِّي أُحِبُّكَ بِحُبِّكَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ» بگیر که من تو را دوست دارم به خاطر محبّتی که به علیّ‌بن‌ابی‌طالب داری»! پس آن رفیقش به او گفت: «فَقَالَ لَهُ الْآخَرُ قَدْ تَرَكْتُهَا لَكَ بِحُبِّكَ عَلِيّاً» این وام را به خاطر محبّتت به علی به تو دادم؛ «وَ لَكَ مِنْ مَالِي مَا شِئْتَ» «و هرچقدر از مال

۱. بحار الأنوار، جلد۶۵، صفحه۱۰۹.
۲. همان.

من می‌خواهی برای توست»؛ و خدا این عمل را از آن دو مورد سپاس قرار داد و به سبب آن گناهان هر دو را ریخت و آن را در درون نامه عمل و ترازوهای آن دو قرار داد و بهشت را بـرای آن دو و والدینشـان واجـب سـاخت؛ «فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ لَهُمَا فَحَطَّ بِهِ خَطَايَاهُمَا وَ جَعَلَ ذَلِكَ فِي حَشْوِ صَحِيفَتِهِمَا أَوْجَبَ لَهُمَا وَ لِوَالِدَيْهِمَا الْجَنَّةَ»؛[1] سپس فرمود: «ای بریده! به‌خاطر بغض علی‌ؑ به تعدادی بیشتر از ریگ‌هایی که بر جمرات انداخته می‌شود از مردم داخل آتش می‌شوند؛ پس برحذر باش که تو از آنان باشی».

ازاین‌رو، این جمعیتی که از ابتدای حرکت به سمت اربعین تمام قصد و نیت و هدفشان امام است، (یعنی از وقتی که دنبال گرفتن ویزا و گذرنامه است، تا حرکت می‌کند، تا به مقصد می‌رسد و آن کسی که پذیرایی می‌کند، همه اینها یک حشر با امام است و عمق عمل از اعتقاد تا به عمل کشـاندن اسـت) تمام اینها تجسـم دادن اعتقاد در مرتبه عمل است؛ تجسم دادن اعتقاد در مرتبه عمل، کار بسیار سختی است؛ آن هم با توجه به سبک زندگی ما که در حالت عادی از دین نشأت نگرفته است و گاهی با دین تعارض هم دارد؛ ولی آن‌جایی که سبک زندگی از دین نشأت بگیرد به حماسه اربعین ختم می‌شود؛ چون یک مبدأ اعتقادی او را هدایت می‌کند؛ آن هم آخرین فصل مبدأ اعتقادی که نظام امامت است. روایت درباره آیه «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى»[2] می‌گوید: پیمانی که در عالم زر از همه انسـان‌ها گرفته شـده هم برای ربوبیت بوده، هم نبوت، هم برای ولایتِ امام.

۱. همان.
۲. اعراف، آیه ۱۷۲.

رزمایش اربعین، آمادگی برای ظهور

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: اگر بخواهیم تجسم توحید در عالم ظهور مادی را ببینیم، انبیای الهی توحید مجسّم هستند؛ انبیای الهی توانستند اعتقاد را در مرتبه عمل نشان بدهند؛ یعنی همه عمل‌شان ظهور توحید است؛ هیچ چیزی از توحید در عمل انبیای الهی کاسته نشده است. این نگاه در اربعین محقق می‌شود؛ یعنی آن جامعه توحیدی که زمان ظهور می‌خواهد محقق شود تا اعتقاد در مرتبه عمل، ظهور و بروز پیدا کند، ظهور مرتبه‌ای از آن در اربعین تمرین و محقق می‌شود. این نگاه که هر عمل ما نازله بحث امامت و ولایت و محبت است در جریان اربعین بی‌نظیر است. در تمام جریان عاشورا، محرم و عزاداری‌ها، برای ساعاتی به مجالس امام حسین﵇ می‌رویم، بعد به زندگی عادی برمی‌گردیم؛ ولی در جریان اربعین چندین روز زیست انسان به‌طور دائم ملکه می‌خواهد بشود که این خیلی عظیم است و باید قدر این زیست معنوی را دانست.

مانور عظیم اربعین حسینی یکی از ذخائر عظیمی است که خدای سبحان به‌عنوان زمینه‌سازی ظهور رواج داده است. کسانی که به‌هر دلیلی در این مانور عظیم شرکت نکرده‌اند، در سال‌های آینده حسرت می‌خورند؛ همان‌طور که ما الآن برای عدم حضور در واقعه کربلا و عاشورا حسرت می‌خوریم و خطاب به حضرت می‌گوییم: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزا عَظِيماً». ای کاش ما هم با شما بودیم و به رستگاری بزرگ می‌رسیدیم. بنابراین وقتی آثار اربعین آشکار شود، آنهایی که نبوده‌اند حسرت می‌خورند که چرا نبوده‌اند؛ پس حضور در اربعین را ساده نگیریم و آن را یک نعمت الهی بدانیم.

اخلاق موکب‌داری در کلام امام صادق علیه‌السلام

در روایتی[1] نقل است که حسین‌بن ابی‌العلا[2] با عده‌ای از شیعیان از عراق عازم مکه شدند تا به محضر امام صادق علیه‌السلام برسند؛ «خَرَجْنَا إِلَى مَكَّةَ نَيِّفٌ وَ عِشْرِينَ رَجُلًا» در بین راه هر جا که توقف می‌کردند، ابی‌العلا ظهر و شب برای کاروان بیست و چندنفره گوسفندی ذبح و از آنها پذیرایی می‌کرد، «فَكُنْتُ أَذْبَحُ لَهُمْ فِي كُلِّ مَنْزِلٍ شَاةً»؛ بعد می‌گوید: «فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَدْخُلَ عَلَى أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ» وقتی به محضر امام صادق علیه‌السلام رسیدیم حضرت فرمودند: «قَالَ وَاهاً يَا حُسَيْنُ أَتُذِلُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ حسین بن ابی العلا مؤمنین را ذلیل می‌کنی؟ خیلی عجیب است! حضرت به کسی که گوسفند می‌کشته و همه را میهمان می‌کرده، می‌فرمایند: «أَتُذِلُّ الْمُؤْمِنِينَ» مؤمنین را ذلیل می‌کنی؟ حضرت با یک ظرافت خاصی اخلاق موکب‌داری را گوش‌زد می‌کنند؛ ابی‌العلا به حضرت عرض می‌کند: «قُلْتُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ»؛ قصد من احترام و خدمت به مؤمنین بود؛ حضرت فرمودند: «فَقَالَ بَلَغَنِي أَنَّكَ كُنْتَ تَذْبَحُ لَهُمْ فِي كُلِّ مَنْزِلٍ شَاةً» شنیدم تو در هر منزلی یک گوسفند کشتی؟ ابی‌العلا گفت: «قُلْتُ يَا مَوْلَايَ وَ اللَّهِ مَا أَرَدْتُ بِذَلِكَ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى»؛ هر کاری کردم فقط به‌خاطر خدا بوده و هیچ قصد دیگری نداشتم؛ حضرت فرمودند: «أَمَا كُنْتَ تَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَفْعَلَ مِثْلَ فِعَالِكَ فَلَا يَبْلُغُ مَقْدُرَتُهُ ذَلِكَ فَتَتَقَاصَرُ إِلَيْهِ نَفْسُهُ»؛ نمی‌دانی در این کاروان، عده دیگری هم بودند که برای مردم مرجعیت داشتند و

۱. وسائل الشیعه، جلد۱۱، صفحه۴۱۵.
۲. یکی از یاران و راویان خوب امام صادق .

در حالت عادی، مردم به این‌ها رجوع می‌کردند و بااینکه وضع مالی‌شان هم خوب بود، ولی برای پذیرایی توان تو را نداشتند؛ وقتی تو این‌جوری پذیرایی کردی آن‌ها دیده نشدند و با پذیرایی تو مرجعیت‌شان از دست رفت و نزد خودشان کوچک شدند. ابی‌العلا به حضرت عرض کرد: «قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَيْكَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا أَعُود» دیگر تکرار نمی‌کنم.

در موکب‌داری باید مواظب بود که دیگر موکب‌داران و کاروانیان تخطئه و تحقیر نشوند. بنابراین بااینکه کار ابی‌العلا یک کار خیر بوده است، ولی بر کار خادمان و موکب‌داران دیگر تأثیر منفی داشته است؛ تا جایی که ممکن است اگر خادمان دیگر احساس کنند توان خادمی و موکب‌داری ندارند، کار خدمت‌گذاری را رها کنند. ازاین‌رو در نگاه اول انسان می‌گوید هرچه بیشتر هزینه کند خوب است؛ ولی براساس بیان و توصیه حضرت، باید طوری رفتار کرد که موجب تخطئه و خواری دیگران نشود؛ یعنی اگر فعل من این اثر را داشت بعد به محضر امام زمان﵇ رسیدیم، حضرت فرمودند: «أَتَذِلُّ الْمُؤْمِنِينَ» چه پاسخی داریم؟

براین‌اساس باید دید امروز در نظام موکب‌داری، اگر انسان هرچه بتواند بیشتر بدهد خوب است یا بد؟ در نگاه اول به نظر می‌رسد خوب است؛ ولی باید مواظب بود که با تخطئه و خواری دیگران ملازمه نداشته باشد؛ کسی مثل حسین بن ابی العلا به این مطلب بی‌توجهی کرد، امام صادق﵇ به او تذکر دادند. گاهی موکب‌داران و کاروان‌های ما توجه به این موضوع ندارند و فکر می‌کنند هرچه خرج کنند و بیشتر جلوه کنند، نزد امام حسین﵇ مطلوب‌تر است؛ درحالی‌که باید طوری رفتار و هزینه کنند که موکب‌داران دیگر هم بتوانند آبروداری کنند.

استفاده از نمادهای ارزشی در اربعین

در حماسه اربعین، منیّت‌ها کم‌رنگ می‌شود و از بین می‌رود؛ اربعین، امام بزرگ است و تنها امام دیده می‌شود. باید مواظب باشیم که اگر کاری کنیم یا تابلویی بزنیم که ما را بزرگ کند، با فرهنگ اربعین سازگار نیست؛ استفاده از جاذبه‌های قومی و قبیله‌ای خاص، نباید به گونه‌ای باشد که بلندتر از پرچم‌های ارزشمند الهی جلوه کند؛ الان کم‌کم پرچم موکب‌ها قبیله‌ای شده است؛ این ایرادی ندارد، ولی طوری باشد که همه تحت پرچم اصلی دیده شوند؛ مثل یک خطاط که یک خطی را طراحی می‌کند و گوشه آن نام خودش را می‌نویسد؛ یعنی موضوع اصلی آن خط است نه خطاط؛ اگر خطاط اصل بود، باید نام خودش را در متن می‌نوشت. مثلاً پیامبر اکرمﷺ پرچم‌های قومی و قبیله‌ای را به پرچم مهاجر و انصار و قاریان و حافظان تبدیل کردند؛ یعنی پرچم‌ها را با یک ارزش مشخص

کردند؛ یا مجاهدان شرکت‌کننده در جنگ بدر را در جنگ‌های بعدی با پرچم بدریّون به عنوان یک ارزش (بدریّون) مشخص کردند. مهاجرین (اهل مکه) یا انصار (اهل مدینه) درعین‌حالی که قومی و قبیله‌ای بودند، ولی حضرت به این قومیت‌ها پرچمی می‌دهند که تبدیل به ارزش می‌شود.

باید موکب‌داری‌ها، پرچم زدن‌ها و دعوت کردن‌ها به‌سمت و سویی باشد که هرکسی نگاه می‌کند به جای تفرقه‌ها و تکثّرها، یک پرچم و نماد واحدی ببیند که همه این‌ها ذیل آن تعریف شده‌اند و همه در متن آن پرچم واحد دیده شوند؛ یعنی فقط هیمنه وحدت در آن آشکار باشد و هیمنه کثرت ضعیف باشد؛ البته کثرت باشد، چون کثرت خودش جاذبه دارد؛ ولی تحت هیمنه آن پرچم اصلی باشد.

در روایت داریم که: «ما عُبِدَ اللهُ بِشيءٍ اَفضلَ مِن اداءِ حَقِّ المُؤمِن»[1] خداوند، به چیزی برتر از «ادای حق مؤمن»، عبادت نشده است. ازاین‌رو متوجه باشیم که در مانور عظیم اربعین داریم مؤمنینی را اکرام می‌کنیم که خالصانه برای اظهار ارادت به محضر امام آمده‌اند؛ جریان اربعین با هدایت الهی به دست دشمن بزرگتر شد؛ یعنی وقتی دشمنان اسلام داعش را مطرح کردند و این جریان خشن، قساوت‌ها و خشونت‌های آنچنانی خود را نمایان کرد، به یکباره اوج رحمت بین مؤمنین تجلی کرد و این تجلی آنچنان نمایان شد که جریان داعش را زمین‌گیر کرد و تحت‌الشعاع قرار داد. شاید اگر جریان داعش نبود جلوه‌گری «رحماء بینهم» برای مردم این‌قدر عظمت پیدا نمی‌کرد؛ یعنی دشمن ناخواسته با ظهور آن حجم از قساوت و بی‌رحمی، «رحماء بینهم» اربعین را به تجلی کامل رساند. ازاین‌رو باید

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۴۳.

تجلی رحمت بین مؤمنین تحت پرچم اربعین را قدر دانست. بنابراین باید حواس‌مان باشد چون بعد از این قطعاً دشـمن تدارک بیشـتری برای دخالت در همایش بزرگ و جهانی اربعین خواهد کرد؛ هرچند راه‌های بیرونی دخالت در اربعین بسـته اسـت، ولی اگر راهی برای ضربه زدن به اربعین باشد، از درون است.

امروزه گفتمان‌سازی جهانی کار دشواری است؛ به‌ویژه اینکه همه رسانه‌های قدرتمند تحت سلطه دشمنان اسلام هستند. بااین‌حال اربعین نقشه عظیمی از خدای سبحان است و اراده خدای سبحان براین تعلّق گرفته که با یک قدرت نرم‌افزاری جهانی، اربعین به یک گفتمان جهانی پرقدرت تبدیل شود؛ الان اربعین مثل یک قلب تپنده‌ای شده که خون را در همه کشورها پمپاژ می‌کند؛ حالا در بعضی کشورها مثل جمهوری اسلامی ایران، عراق، لبنان، سـوریه، آذربایجان و بعضی کشورها شدید است، بعضی کشورهای دیگر موی‌رگی است؛ یعنی بااینکه تعداد کم است، ولی این قلب در آن‌جاها هم فرهنگ و گفتمان اربعین را پمپاژ می‌کند و حیات می‌دهد. قلب تپنده اربعین می‌تپد و از طریق رگ‌ها به بدنه حیات می‌دهد؛ این خون‌هایی که در رگ‌های کشورها جریان دارد، با ارتباط‌گیری با جریان اربعین، دائم زنده می‌ماند و تصفیه می‌شود و تمام مرزهای جغرافیایی و قبیله‌ای را طی کرده و به هم مرتبط می‌شوند؛ این‌ها خیلی عظمت می‌خواهد و به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ چیزی که مرزهای جغرافیایی را به‌راحتی طی کند، این محبت عظیمی اسـت که به خاطر آن باید ان‌شاءالله خدای سبحان ما را قدردان جریان اربعین قرار بدهد.

عزیزان!
دهه‌های آینده دهه‌های شما است
و شمایید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید
و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که
ایجاد تمدّن نوین اسلامی
و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی(ارواحنافداه) است،
نزدیک کنید.

بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب
خطاب به جوانان

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...